

## قلمرو کیفری در رسیدگی های انضباطی پلیس ایران

علی افراسیابی\* - عادل ساریخانی\*\*

(تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۷)

### چکیده

قلمرو کیفری بر اساس تفسیر دیوان اروپایی حقوق بشر از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از آزادی های بنیادین بشر وارد ادبیات حقوقی شده است. در پرتو این نهاد، رسیدگی به تخلفاتی که ضمانت اجرای ماهیتاً کیفری دارند، با رعایت الزامات دادرسی عادلانه انجام می شود. سؤالی که مطرح می شود اینکه کدام یک از تخلفات انضباطی کارکنان پلیس که از نیروهای مسلح محسوب می شوند، در قلمرو کیفری قرار می گیرد؟ آیا رسیدگی به این تخلفات در مراجع شبه قضایی سازمان پلیس با رعایت الزامات دادرسی عادلانه انجام می شود؟ در این تحقیق ابتدا به مطالعه معیارهای قلمرو کیفری و انواع تنبیهات انضباطی موجود در سازمان پلیس پرداخته شده تا از این گذر بتوان تنبیهات انضباطی مشمول قلمرو کیفری را شناسایی کرد. پس از شناخت تخلفاتی که در قلمرو کیفری قرار می گیرند، به مطالعه فرایند رسیدگی به این تخلفات در کمیسیون های انضباطی ناجا پرداخته شده تا در پرتو آن بتوان به سؤال دوم تحقیق پاسخ داده و نقص های موجود در مقررات و رویه های جاری را شناسایی کرد. در گام بعد، از طریق شناخت وضع موجود، راهکارهای نیل به وضع مطلوب بررسی شده است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که ۱۰ عنوان از تخلفات انضباطی موجود در سازمان پلیس در قلمرو کیفری قرار می گیرند و رسیدگی به آنها باید با رعایت تشریفات دادرسی عادلانه انجام شود. در مقررات و رویه های جاری، اصل بی طرفی مرجع رسیدگی کننده به تخلفات انضباطی و حقوق دفاعی متهمان به شدت نقض می شود. برای نیل به وضع مطلوب، اصلاح مقررات و رویه های اجرایی در راستای تقویت حقوق دفاعی افراد مظنون به تخلف و ایجاد مراجع بی طرف برای رسیدگی به این تخلفات ضروری است.

واژگان کلیدی: تخلفات انضباطی، قلمرو کیفری، دادرسی عادلانه.

\* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه قم نویسنده مسئول ali.afraziabiazar@yahoo.com

\*\* دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه قم

## مقدمه

کنوانسیون اروپایی حمایت از آزادی‌های اساسی مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰ میلادی، در ماده ۶ حق برخورداری از دادرسی عادلانه را به رسمیت می‌شناسد. «مقررات این ماده، کلیه اشخاص متهم به ارتکاب جرم را از حق دادرسی عادلانه برخوردار می‌کند» (ماهونی ۲۰۰۴: ۶۵). بر اساس آن، هر متهمی حق دارد در حداقل زمان ممکن نزد دادگاه مستقل، بی طرف و علنی حاضر شود<sup>۱</sup> تا صدور حکم قطعی از تضمین‌های فرض براءت بهره‌مند شود، به زبانی که برای وی قابل فهم است در حداقل زمان ممکن از اتهام وارده و دلایل آن آگاه شود، فرصت و امکانات مناسب برای تدارک دلایل دفاعی در اختیار داشته باشد، بتواند وکیل انتخاب کند و در مواردی که توان مالی برای گرفتن وکیل ندارد و منافع عدالت مقتضی آن است از حق برخورداری از وکیل رایگان برخوردار باشد، دلایل و اظهارات شهود له و علیه متهم به صورت برابر از جانب مقام قضایی استماع شود و در صورتی که توان درک مباحث مطروحه در دادگاه را ندارد و یا از توان سخن گفتن محروم است، از معاضدت رایگان برخوردار شود<sup>۲</sup>.

همان گونه که از مقررات این ماده استنباط می‌شود، حقوق مندرج در آن برای افرادی است که موضوع تعقیب کیفری قرار می‌گیرند. از همین رو، نسبت به افرادی که در مراجع اداری، انتظامی یا انضباطی تعقیب می‌شوند، قابلیت ایجاد حق و تکلیف برای برگزاری رسیدگی مبتنی بر استانداردهای دادرسی عادلانه را ندارد. مقررات این ماده برای رسیدگی‌های دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مناسب بود؛ چراکه جرایم و تخلفات دارای ضمانت اجرای کیفری در مراجع قضایی اقامه می‌شدند و در این مراجع نیز استانداردهای دادرسی عادلانه رعایت می‌شد. ولی از دهه ۱۹۷۰ به بعد، افزایش میزان ورودی پرونده‌ها به مراجع قضایی، نظام عدالت کیفری را با پدیده‌ای تحت عنوان بحران سیاست جنایی مواجه کرد. این نظام برای خروج از بحران مذکور، برخی عناوین مجرمانه را از قلمرو حقوق کیفری خارج کرده و به قلمرو حقوق اداری، انتظامی، مدنی، انضباطی و ... وارد کرد. به گونه‌ای که مراجع اداری صلاحیت رسیدگی به پرونده‌هایی

۱. بر اساس مقررات این ماده، در صورت وجود ملاحظات اخلاقی یا الزامات نظم عمومی یا امنیت ملی در «جامعه دموکراتیک»، ممکن است حضور مردم یا رسانه‌ها در تمام یا برخی از جلسات دادگاه منع شود. همچنین در صورتی که منافع نوجوانان یا حمایت از خلوت طرفین پرونده ایجاب کند یا در صورتی که بنا به نظر دادگاه، دادرسی علنی برای منافع عدالت مضر باشد، بدون حضور مردم و رسانه‌ها به جرم مطروحه رسیدگی خواهد شد. وجود اصطلاح جامعه دموکراتیک در این مقرر اهمیت اساسی دارد. به گونه‌ای که عدم حضور رسانه‌ها و مردم در جلسات رسیدگی نباید مبنای غیر دموکراتیک داشته باشد؛ یعنی در صورتی می‌توان رسیدگی‌ها را به صورت غیر علنی برگزار کرد که منافع متهم یا جامعه (نه منافع حکومت)، در خطر باشد (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: نقیبی منفرد ۱۳۸۹ و نیز راسخ ۱۳۸۶: ۲۶۱).

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به پرادل و کورستنز ۱۳۸۶: ۱۸؛ و نیز حبیب زاده و توحیدی فرد ۱۳۸۸: ۳۵.

که قبلاً در مراجع قضایی رسیدگی می‌شدند را به دست آوردند. در برخی موارد نیز دولت‌های عضو برای فرار از هزینه‌های اقتصادی رسیدگی‌های کیفری و تشریفات موجود در آن، برخی جرایم را از حقوق کیفری به حقوق اداری-انضباطی منتقل کردند. این در حالی بود که ضمانت اجرای این جرایم همچنان دارای وصف مجازات بود. این تحول موجب شد که پرونده‌های مذکور بدون رعایت تشریفات دادرسی عادلانه، در مراجع اداری رسیدگی شوند.

دیوان اروپایی حقوق بشر، به‌عنوان مرجعی که دفاع از حقوق بشر و اجرای این کنوانسیون در جامعه اروپا را عهده‌دار است، با آگاهی از این تحول و تقلب برخی دولت‌ها نسبت به رعایت استانداردهای دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های کیفری، اصطلاح «قلمروهای کیفری<sup>۱</sup>» را در دهه ۸۰ ابداع نمود (زانگ ۲۰۱۰: ۱۰؛ مارتی ۱۳۹۳: ۹۴). با عنایت به مسئولیت دولت‌ها در برقراری نظم عمومی، دیوان نمی‌توانست در امور داخلی کشورها مداخله کند و از انتقال رسیدگی پرونده‌ها از حقوق کیفری به حقوق اداری-انضباطی ممانعت کند، ولی نمی‌توانست شاهد نقض مقررات ماده ۶ توسط دولت‌ها از گذر انتقال جرایم و رسیدگی به آنها از حقوق کیفری به حقوق اداری-انضباطی باشد. از اینرو دولت‌ها می‌توانند رسیدگی به تخلفات دارای ضمانت اجرای سرکوبگر را به حقوق اداری-انضباطی وارد کنند، ولی نمی‌توانند معیارهای رسیدگی عادلانه موضوع ماده ۶ کنوانسیون را نادیده بگیرند. دیوان در احکام متعدد مقرر داشت که استانداردهای دادرسی عادلانه موصوف در این کنوانسیون، بر قلمروهای کیفری حاکم است. یعنی رسیدگی به تخلفات و جرایمی که در قلمروهای کیفری قرار می‌گیرد، صرف نظر از مرجع رسیدگی به آنها، با رعایت تضمینات دادرسی عادلانه انجام می‌شود. دیوان در ادامه و در قالب آراء متعدد معیارهایی برای قلمرو کیفری به رسمیت شناخت. «شدت و ماهیت ضمانت اجرا، ارزش موردحمایت قاعده حقوقی و مخاطبان قاعده حقوقی از جمله معیارهایی هستند که احراز هر یک از آنها برای شمول تخلف در قلمرو کیفری کافی است» (مهدوی ۱۳۹۰: ۵۱؛ بابایی و مهدوی ۱۳۹۱: ۱۲۳). تفاوت حقوق کیفری و قلمرو کیفری به موضوع آنها مربوط می‌شود. موضوع حقوق کیفری، جرایم و مجازات‌های مندرج در قانون کیفری است که در دادگاه‌ها مورد رسیدگی قرار می‌گیرد؛ ولی موضوع قلمرو کیفری، تخلفات دارای ضمانت اجرای سرکوبگر ماهیتاً کیفری است که در حقوق اداری-انضباطی و در مراجع شبه قضایی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

در این مقاله به‌طور خاص، به امکان شمول استانداردهای قلمرو کیفری بر رسیدگی‌های

1. Criminal Mather's

انضباطی سازمان پلیس پرداخته می‌شود. برای این منظور ابتدا تنبیهات انضباطی موجود در این سازمان مورد مطالعه قرار می‌گیرند (بخش اول). در این بخش انواع تنبیهات انضباطی بررسی می‌شوند تا بتوان آن دسته از تنبیهاتی که در قلمرو کیفری قرار می‌گیرند را شناسایی کرده و از بقیه موارد جداسازی نمود. در ادامه، به مطالعه مراجع رسیدگی به تنبیهاتی که در قلمروهای کیفری قرار می‌گیرند پرداخته می‌شود (بخش دوم). در این بخش، مقررات شکلی حاکم بر شیوه رسیدگی به تخلفات انضباطی مشمول قلمروهای کیفری مطالعه می‌شود تا از گذر آن بتوان تبیین نمود آیا بر اساس مقررات جاری، استانداردهای دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های شناسایی شده رعایت می‌شوند یا خیر. در بخش پایانی، در پرتو مطالعات انجام شده در بخش‌های اول و دوم، راهکارهای کاربردی برای نیل به وضعیت مطلوب ارائه می‌شود (بخش سوم). در این بخش، راهکارهایی ارائه می‌شود که با اجرای آن‌ها می‌توان شاهد رسیدگی‌های انضباطی عادلانه بود.

#### بخش اول: تنبیهات انضباطی مشمول قلمرو کیفری

نیروی انتظامی سازمانی مستقل است که بر اساس بند ۴ اصل ۱۱۰ قانون اساسی یکی از نیروهای تابعه نیروهای مسلح بوده و تحت فرماندهی معظم کل قوا اقدام می‌کند. این سازمان بر اساس قانون تشکیل ناجا به وزارت کشور وابسته است و وزیر کشور به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا در نیروی انتظامی از سوی آن مقام تعیین می‌شود. از سوی دیگر، این سازمان از حیث وظایفی که به‌عنوان ضابط قضایی انجام می‌دهد، زیر نظر دادستان اقدام می‌کند. وظیفه اصلی این سازمان تأمین نظم عمومی در زمان صلح است و در زمان جنگ نیز به دلیل وابستگی‌اش به نیروهای مسلح، در صورت نیاز در عملیات جنگی شرکت می‌کند. وظایف این سازمان در زمان صلح به دودسته اداری و قضایی تقسیم می‌شود. پلیس اداری تلاش می‌کند از وقوع جرم در جامعه پیشگیری کند. ولی علی‌رغم تلاش‌های این پلیس، وقوع برخی جرایم اجتناب‌ناپذیر است. پس از وقوع جرم وظایف پلیس قضایی در راستای کشف جرم، دستگیری متهم و ... آغاز می‌شود و تا صدور حکم قطعی و اجرای آن ادامه می‌یابد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این نیرو متناسب با شرایط و وضعیت‌های گوناگون، وظایف متعدد و متنوعی را عهده‌دار است که اجرای هر یک از آن‌ها ارتباط تنگاتنگی با امنیت داخلی یا خارجی دارد. به‌منظور اجرای درست و دقیق این وظایف و پیشگیری از جرایم و تخلفات شغلی کارکنان ناجا، مقررات قانونی یا آئین‌نامه‌ای تنظیم شده است. مقررات تقنینی ناظر به تعریف جرایم و مجازات آن‌ها است.

مقررات فروتقیننی (آئین‌نامه‌ای) نیز ناظر به تعریف انحرافات شغلی کارکنان پلیس و تنبیهات انضباطی آن‌ها است. در این بخش از تحقیق، انواع تنبیهات انضباطی موجود در قوانین و آئین‌نامه‌ها مطالعه می‌شوند تا در ادامه بتوان آن دسته از تنبیهاتی که در قلمرو کیفری قرار می‌گیرند را شناسایی کرد. قبل از مطالعه این مقررات، معیارهای حاکم بر قلمرو کیفری شناسایی می‌شوند تا در پرتو شناخت این معیارها بتوان تنبیهات انضباطی مشمول قلمرو کیفری را شناسایی نمود.

### مبحث اول: معیارهای قلمرو کیفری

دیوان اروپایی حقوق بشر در آرای متعدد، رویه‌هایی را ایجاد کرده که با جمع‌بندی آن‌ها می‌توان معیارهایی برای شناخت قلمرو کیفری و آستانه آن به دست آورد. یک گروه پژوهشی در دانشگاه پاریس، تلاش کرده این معیارها را شناسایی کند. این گروه سه معیار را شناسایی کرده است. معیار اول به توصیف کیفری یا غیر کیفری که مربوط به تکنیک حقوق داخلی نظام حقوقی هر کشور است، مربوط می‌شود (دلماس مارتی ۱۳۸۱: ۵۰). بر اساس این معیار در صورتی که تخلف در یک مقرر تقنینی تعریف شده باشد، در قلمرو کیفری قرار خواهد گرفت. در این معیار تاریخچه جرم‌انگاری تخلف موردنظر، آئین دادرسی حاکم بر آن، مقام تعقیب‌کننده و مراجع رسیدگی‌کننده به آن تخلف بررسی می‌شوند. در صورتی که این تخلف در گذشته توسط دادستان تعقیب، توسط مراجع قضائی رسیدگی و در چارچوب آئین دادرسی کیفری مورد رسیدگی قرار می‌گرفته، در قلمرو کیفری قرار می‌گیرد. دومین معیار به ماهیت تخلف ارتكابی مربوط می‌شود (دلماس مارتی ۱۳۸۱: ۵۰). به گونه‌ای که اگر مصالح عمومی نقض شود و تخلف ارتكابی ماهیتاً شدید باشد، در قلمرو کیفری قرار می‌گیرد. معیار سوم بر شدت ضمانت اجرا نظارت دارد (دلماس مارتی ۱۳۸۱: ۵۰). در صورتی که ضمانت اجرای تعیین شده در مقرر حقوقی شدید باشد یا دارای وصف تنبیهی مجازات‌ها باشد، در قلمرو کیفری قرار می‌گیرد و باید از تضمینات دادرسی عادلانه برخوردار شود. برخی محققان معتقدند معیار شناسایی قلمرو کیفری ۴ مورد است و معیار دیگری تحت عنوان هدف ضمانت اجرا را اضافه نموده‌اند. «اما باید توجه داشت که این رویکرد با دو مشکل مواجه است. اول اینکه تفکیک هدف پیشگیرانه از سرکوبگری مشکل است. دوم اینکه شناسایی این معیار به معنای بازگشت به توصیف ملی از مجازات‌ها است که با تحقق اهداف کنوانسیون سازگاری ندارد» (بابایی ۱۳۹۲: ۱۲۴ به نقل از یآوری ۱۳۸۳: ۲۶۸). به نظر می‌رسد نمی‌توان هدف ضمانت

اجرا را به عنوان یکی از معیارهای قلمرو کیفری محسوب کرد؛ چراکه بازدارندگی عمومی، به صورت توأمان در مجازات و ضمانت اجرا وجود دارد. تنها تفاوت آن‌ها در این است که بازدارندگی عمومی مجازات‌ها گستره وسیع‌تری را شامل می‌شود. درحالی‌که بازدارندگی عمومی ضمانت اجراها، محدود به جامعه شغلی و صنفی خاص است.

### مبحث دوم: تنبیهات انضباطی مشمول قلمرو کیفری

تنبیهات انضباطی کارکنان نیروی انتظامی در ماده ۱۲۰ قانون استخدام ناجا مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۷ در ۱۵ بند به شرح ذیل بیان شده است:

۱- توبیخ شفاهی ۲- توبیخ کتبی ۳- توبیخ در سطح قسمت ۴- توبیخ در سطح سازمان ۵- توبیخ در سطح نیروی انتظامی ۶- خدمت شبانه‌روزی در قسمت حداکثر به مدت سی روز ۷- بازداشت غیرقابل تمدید در بازداشتگاه حداکثر به مدت سی روز ۸- کسر حقوق حداکثر به میزان یک پنجم، حداکثر به مدت چهار ماه ۹- انتظار خدمت حداکثر به مدت شش ماه ۱۰- بدون کاری حداکثر تا سه ماه ۱۱- محرومیت از ترفیع حداکثر به مدت چهار سال ۱۲- تنزیل موقت یک درجه یا رتبه حداکثر به مدت دو سال ۱۳- تنزیل دایم یک درجه یا رتبه ۱۴- معافیت از خدمت ۱۵- اخراج از خدمت.

بر اساس آنچه در مبحث قبل بیان شد، می‌توان تنبیهات ۱۵ گانه فوق را بررسی کرد. برای این منظور، تخلفات انضباطی مذکور به ترتیب معیارهای قلمرو کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرند. اولین معیار بررسی به تعریف قاعده حقوقی در مقررره قانونی یا آئین‌نامه‌ای مربوط می‌شود. تنبیهات انضباطی فوق از سویی در قانون مصوب مجلس شورای اسلامی بیان شده‌اند و از سوی دیگر، همین تخلفات در ماده ۱۱۷ آئین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح تعریف شده‌اند. از این رو، در صورتی که تعریف قانون استخدامی نیروی انتظامی مبنای تحلیل قرار گیرد، تنبیهات مذکور در گستره قلمرو کیفری قرار می‌گیرد. ولی اگر مقررات آئین‌نامه‌ای ملاک بررسی‌ها قرار گیرد، این تنبیهات بر اساس معیار اول از شمول قلمرو کیفری خارج است. در نگاه نخست چنین برداشت می‌شود که این تنبیهات به دلیل تعریف تنبیهات در متن قانون، در قلمرو کیفری قرار می‌گیرد. ولی باید توجه داشت قانونی که تنبیهات انضباطی را تشریح کرده، یک قانون انحصاراً کیفری نیست که بتوان ضمانت اجراهای مشروح در آن را در قلمرو کیفری جای داد. بلکه با توجه به عنوانی که دارد، یک قانون استخدامی است. به نظر می‌رسد بر مبنای معیار ارزش موردحمایت نیز نمی‌توان این تنبیهات را در قلمرو کیفری جای داد. چراکه ارزش‌های

موردحمایت در این تنبیهات حفظ شئون نظامی است و این ارزش‌ها وصف عمومی ندارند. تنها موردی که می‌توان بر مبنای آن تنبیهات انضباطی مذکور را از حیث شمول در گستره قلمرو کیفری مورد مطالعه قرار داد، معیار شدت ضمانت اجرا است. باین حال بهتر است تنبیهات ۱۵ گانه فوق به صورت موردی بر مبنای معیارهای سه گانه قلمرو کیفری مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود کدام یک از این تنبیهات در قلمرو کیفری قرار می‌گیرند.

تنبیهات مذکور در بندهای ۱ الی ۴، یعنی «توبیخ شفاهی، توبیخ کتبی، توبیخ در دستور قسمت و توبیخ در دستور فرمان»، بدون شک از قلمرو کیفری خارج‌اند؛ چراکه اولاً در متن قانون کیفری ذکر نشده‌اند که بتوان بر اساس معیار اول آن‌ها را مشمول قلمرو کیفری قلمداد کرد و ارزش موردحمایت در این تنبیهات حائز وصف عمومی بودن نیست. از این رو، بر اساس معیار ارزش موردحمایت نیز نمی‌تواند مشمول قلمرو کیفری قلمداد شود. از حیث شدت ضمانت اجرا نیز این تنبیهات نمی‌توانند در قلمرو کیفری قرار گیرند. خدمت شبانه‌روزی در قسمت حداکثر به میزان ۳۰ روز، از حیث شدت ضمانت اجرا، قابل بررسی است. این تنبیه از دو جهت باید بررسی شود. اول اینکه، خدمت شبانه‌روزی در خدمت دارای وصف سالب آزادی است؛ چراکه آزادی فرد را سلب می‌کند و فرد تنبیه شده بعد از وقت اداری نمی‌تواند از اداره خارج شود. دوم، همان‌گونه از این تنبیه استنباط می‌شود، مقام تنبیه کننده می‌تواند از یک الی سی روز تنبیه نماید. از همین رو باید بررسی شود که چند روز بازداشت در قسمت می‌تواند مشمول قلمرو کیفری قرار بگیرد. خدمت شبانه‌روزی در قسمت، از حیث ماهیت سالب آزادی می‌تواند مشمول قلمرو کیفری قرار گیرد، ولی از حیث تعداد روزها باید قائل به تفکیک شد. یعنی باید بررسی شود که چند روز خدمت شبانه‌روزی می‌تواند مشمول قلمرو کیفری باشد.

مطالعه رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر درباره تنبیهات انضباطی نظامیان حاکی از آن است که ۱۲ روز توقیف در پادگان، مشمول قلمرو کیفری قرار گرفته است (دلمااس مارتی ۵۳:۱۳۸۱). در خصوص تنبیه انضباطی موضوع بحث، یعنی ۳۰ روز خدمت شبانه‌روزی، می‌توان ادعا نمود که تنبیهات انضباطی کمتر از ۱۰ روز نمی‌توانند در قلمرو کیفری قرار بگیرند. ولی، خدمت شبانه‌روزی به میزان ده روز و بیشتر از آن داخل این قلمرو قرار می‌گیرد. تنبیه انضباطی ردیف پنجم، یعنی «بازداشت غیرقابل تمدید در بازداشتگاه حداکثر به مدت سی روز»، از منظر معیار اول و دوم (تعریف تخلف و ارزش موردحمایت)، نمی‌تواند مشمول قلمرو کیفری قرار گیرد. ولی، از لحاظ شدت می‌تواند در این قلمرو قرار گیرد. این تنبیه از لحاظ شدت، شدیدتر از مورد قبلی است و به طریق اولی در قلمرو کیفری قرار می‌گیرد. از این رو،

آستانه قلمرو کیفری در این مورد نیز ده روز است. در خصوص مدت بازداشت دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده انگل و دیگران علیه دولت هلند (۱۹۷۹) مقرر کرد «بازداشت به مدت دو روز برای شمول در قلمرو کیفری کافی نیست و بازداشتی را مشمول قلمرو کیفری می‌داند که مدت آن بیشتر است».

تنبیه انضباطی ردیف ششم، یعنی «کسر حقوق حداکثر به میزان یک‌پنجم و حداکثر به مدت ۴ ماه»، در ماده ۱۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، به‌عنوان یکی از مجازات‌های تنبیهی تلقی شده است. یعنی، بر اساس این ماده، اعمال مجازات موضوع بحث جاری، مستلزم آن است که جرم در دادگاه نظامی مورد رسیدگی قرار گرفته و منجر به صدور حکم شود. رسیدگی در دادگاه نظامی نیز تابع تشریفات دادرسی عادلانه است. به عبارت بهتر، بدون رعایت تشریفات دادرسی عادلانه، احکام صادره از مراجع قضایی اعتبار نخواهند داشت. لذا، بر اساس آنچه بیان شد، انتظار می‌رود که رسیدگی به تخلفات مستوجب این تنبیه یا مجازات، در مراجع غیر قضایی نیز تابع رعایت تشریفات دادرسی عادلانه باشد. چراکه در غیر این صورت، منطقی نخواهد بود که یک مجازات در مراجع مختلف به شیوه‌های متفاوت مورد رسیدگی قرار گیرد. بنابراین بر مبنای معیار اول می‌توان مدعی بود که «کسر حقوق حداکثر به میزان یک‌پنجم و حداکثر به مدت ۴ ماه»، در قلمرو کیفری قرار می‌گیرد. همچنین این تنبیه از منظر تدوین‌کنندگان آئین‌نامه نیز شدیدتر از موارد قبل تصور می‌شده که بعد از آن‌ها بیان شده است. از همین رو با امعان نظر به شدت ضمانت اجرا نیز می‌توان بیان داشت که این تنبیه به قلمرو کیفری تعلق دارد.

تنبیهات ردیف‌های ۹ الی ۱۳، یعنی «کسر حقوق حداکثر به میزان یک‌پنجم، حداکثر به مدت چهار ماه؛ انتظار خدمت حداکثر به مدت شش ماه؛ بدون کاری حداکثر تا سه ماه؛ محرومیت از ترفیع حداکثر به مدت چهار سال؛ تنزیل موقت یک درجه یا رتبه حداکثر به مدت دو سال و تنزیل دائم یک درجه یا رتبه»، بنا به دلایلی که در مورد قبل بیان شد، در قلمرو کیفری قرار می‌گیرند.

تنبیهات انضباطی ردیف‌ها ۱۴ و ۱۵، یعنی «معافیت از خدمت و اخراج از خدمت»، از منظر شدت و آثار تنبیهی، به قدری شدیدند که به راحتی در قلمرو کیفری قرار می‌گیرند.

در جمع مطالب این بخش می‌توان تنبیهات انضباطی را به دو بخش تقسیم کرد. نخست، تنبیهاتی که داخل قلمرو کیفری قرار می‌گیرند. دوم، تنبیهاتی که از قلمرو کیفری خارج‌اند. فایده مباحث اخیر از این حیث است که با شناخت این دسته‌بندی می‌توان مدعی بود، آن دسته



تنبیهاتی که در قلمرو کیفری قرار می‌گیرند، باید از تضمینات دادرسی عادلانه بهره ببرند و تنبیهات خارج از این قلمرو بدون رعایت کامل این تضمینات، ولی در یک‌روند منطقی و معقول اعمال و اجرا می‌شوند. در ادامه، به شناسایی مراجع صالح به رسیدگی تنبیهات انضباطی و تشریفات حاکم بر آنها پرداخته می‌شود.

### بخش دوم: مراجع صالح برای اعمال تنبیهات انضباطی مشمول قلمرو کیفری

مطابق مقررات جاری، می‌توان تنبیهات انضباطی را به دو قسم تقسیم کرد. الف) تنبیهاتی که اعمال و اجرای آنها بدون تشریفات خاص انجام می‌شود. ب) تنبیهاتی که اعمال و اجرای آنها تابع تشریفات خاص است. بر اساس مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون استخدام ناجا، می‌توان مدعی بود که به‌غیر از تنبیهات انضباطی چهارگانه «محرومیت از ترفیع، تنزیل درجه یا رتبه، معافیت از خدمت و یا اخراج که فرمانده انتظامی استان یا مقامات هم‌تراز یا بالاتر از آنها پیشنهاد تنبیه می‌کنند»، بقیه تنبیهات انضباطی بدون تشریفات خاص اعمال و اجرا می‌شود. از همین رو، مطالب این بخش ذیل دو عنوان، به تنبیهات دارای تشریفات خاص و تنبیهات فاقد تشریفات خاص، می‌پردازد.

#### مبحث اول. تنبیهات انضباطی دارای تشریفات خاص

ماده ۱۲۱ قانون استخدام ناجا مقرر کرده «رسیدگی به تخلفات کارکنان که فرمانده انتظامی استان یا روسا و مسئولین رده‌های هم‌تراز و بالاتر برای آنان پیشنهاد محرومیت از ترفیع، تنزیل درجه یا رتبه، معافیت از خدمت و یا اخراج می‌دهند در هیئت‌هایی مرکب از اعضای مشروح ذیل به عمل می‌آید:

- الف) معاون نیروی انسانی نیروی انتظامی یا جانشین وی؛
- ب) رئیس بازرسی کل نیروی انتظامی یا جانشین وی؛
- ج) معاون ذی‌ربط سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی یا جانشین وی؛
- د) معاون ذی‌ربط سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی یا جانشین وی؛
- ه) نماینده سازمان قضایی نیروهای مسلح.

مطابق صدر ماده مذکور برای اینکه تخلفات در این کمیسیون رسیدگی شوند، وجود دو شرط لازم است: ۱- فرمانده انتظامی استان یا روسا و مسئولین هم‌تراز یا بالاتر درخواست تنبیه کرده باشند ۲- تنبیهات پیشنهادی یکی از چهار مورد محرومیت از ترفیع، تنزیل درجه یا رتبه،

معافیت از خدمت یا اخراج از خدمت باشد. بنابراین اگر هریک از این دو شرط وجود نداشته باشد، تخلف در این کمیسیون رسیدگی نخواهد شد. یعنی مواردی که این دو شرط را ندارند، بدون تشریفات خاص اعمال و اجرا می‌شوند. در این مبحث تشریفات حاکم بر نحوه رسیدگی به این تنبیهات بررسی می‌شود تا مشخص شود آیا تشریفات جاری با معیارهای دادرسی عادلانه که در ماده ۶ کنوانسیون حمایت از آزادی‌های اساسی بیان شده‌اند و در مقدمه این مقاله به این موارد پرداخته شد، سازگار است یا خیر؟

یکی از معیارهای دادرسی عادلانه، رسیدگی به تخلف نزد مرجعی مستقل و بی‌طرف است (کمیته حقوق دانان برای حقوق بشر ۲۰۰۰: ۳۵). یعنی مرجع رسیدگی به تخلف باید در موضع بی‌طرف و مستقل قرار گیرد تا بتواند آزادانه بررسی کرده و در خصوص صحت اتهام وارده تصمیم‌گیری کند. «استقلال مرجع رسیدگی‌کننده به این معنا است که مرجع مذکور در تصمیم‌گیری به صورت بی‌طرف و بر اساس حقایق و مطابق قانون، بدون هیچ‌گونه دخالت و فشار از جانب طرفین پرونده، رسیدگی کند» (طه و اشرفی ۱۳۸۶: ۱۲۹). حال بر اساس این اصل، به بررسی مرجع رسیدگی به تنبیهات موضوع بحث جاری در سازمان پلیس پرداخته می‌شود تا مشخص شود که آیا مرجع مذکور مستقل و بی‌طرف است یا خیر؟

بر اساس ماده ۱۲۱ قانون استخدام ناجا، «رسیدگی به تخلفات کارکنان که فرمانده انتظامی استان یا رؤسا و مسؤولین رده‌های هم‌تراز و بالاتر برای آنان پیشنهاد محرومیت از ترفیع، تنزیل درجه یا رتبه، معافیت از خدمت و یا اخراج می‌دهند در هیأت‌هایی مرکب از اعضای مشروحه زیر به عمل می‌آید:

الف - معاون نیروی انسانی نیروی انتظامی یا جانشین وی.

ب - رئیس بازرسی کل نیروی انتظامی یا جانشین وی.

ج - معاون ذی‌ربط سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی یا جانشین وی.

د - معاون ذی‌ربط سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی یا جانشین وی.

ه - نماینده سازمان قضائی نیروهای مسلح».

بر اساس تبصره یک این ماده در صورت تراکم کار یا ضرورت، به پیشنهاد هیأت موضوع ماده (۱۲۱) و تصویب هیأت موضوع ماده (۱۲۲) در مقاطع و درجات خاص هیأت‌هایی با ترکیب‌نمایندگان ثابت مقامات مذکور در ماده (۱۲۱) در استانها یا یگانهای مستقل تشکیل می‌شود و رأی صادره توسط این هیأت‌ها به منزله رأی هیأت موضوع ماده (۱۲۱) می‌باشد. بر اساس تبصره ۹ این ماده تصمیمات هیأت‌های رسیدگی با اکثریت آراء معتبر خواهد

بود و به جز در مورد تنزیل دائم درجه، معافیت و اخراج از خدمت، قطعی می‌باشد. در این موارد نیز چنانچه حداکثر ظرف مدت یک ماه پس از ابلاغ رأی مورد اعتراض قرار نگیرد، قطعی می‌گردد. بر اساس ماده ۱۲۲ کمیسیون تجدیدنظر از آرای هیئت بدوی تشکیل می‌شود و «هیأت تجدیدنظر از اعضاء زیر تشکیل خواهد شد:

الف - جانشین فرمانده کل قوا یا نماینده ایشان در حد معاون.

ب - فرمانده نیروی انتظامی یا جانشین وی.

ج - رئیس سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی یا جانشین وی.

د - رئیس سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی یا جانشین وی.

هـ - رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح یا جانشین وی.

تبصره - کارکنان معترض به تصمیمات هیأت‌های رسیدگی موضوع ماده ۱۲۱ می‌بایست حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ تصمیمات هیأت، اعتراض کتبی خود را با ذکر ادله و به انضمام مدارک لازم به دبیرخانه هیأت رسیدگی تسلیم و یا با پست سفارشی ارسال نمایند. هیأت‌های رسیدگی موظفند حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از انقضای مهلت قانونی اعتراض پرونده را به دبیرخانه هیأت تجدیدنظر ارسال نمایند. تصمیمات این هیأت با رأی اکثریت اعضاء معتبر و قطعی خواهد بود.

بر اساس ماده ۱۲۳ «کارکنان نسبت به آراء قابل اجراء هر یک از دو هیأت می‌توانند ظرف یک ماه پس از ابلاغ به محاکم صالحه شکایت نمایند. آراء قطعی محاکم مذکور در هر صورت لازم‌الاجراء می‌باشد. تبصره - در صورت نقض آراء هر یک از هیأت‌ها توسط محاکم، هیأت ذی‌ربط موظف است با توجه به رأی محکمه و با رعایت سایر مقررات و تشریفات قانونی مجدداً به موضوع رسیدگی و تصمیم‌گیری نماید. کارکنان در مدت بین صدور رأی قطعی محکمه و تصمیم‌گیری مجدد هیأت در وضعیت انتساب قرار خواهند داشت.

همان‌گونه که از مقررات ماده ۱۲۱ ملاحظه می‌شود، به غیر از نماینده سازمان قضایی نیروهای مسلح که متعلق به قوه قضائیه است، کلیه اعضاء کمیسیون مذکور، از کارکنان نیروی انتظامی‌اند. یعنی نیروی انتظامی که در رسیدگی‌های انضباطی ذی‌نفع است، رسیدگی بر تخلف انضباطی را نیز عهده‌دار است. به عبارت بهتر می‌توان بیان داشت که بر اساس مقررات جاری، شاکی پرونده قاضی پرونده است. در این شرایط چگونه می‌توان انتظار داشت که کمیسیون مذکور در یک موضع مستقل و بی‌طرف و صرفاً بر اساس حقایق پرونده رأی دهد. در حقوق عمومی، اصلی تحت عنوان «تفکیک قوا» وجود دارد که هدف از آن، استقلال قوای سه‌گانه از

یکدیگر و پیشبرد امور جاری در یک‌روند علمی، بی‌طرف و معقول است. در پرتو این اصل، متولی نظم عمومی یعنی قوه مجریه نمی‌تواند در آرای قوه قضائیه تأثیرگذار باشد (لاکلین ۱۳۹۱: ۸۴). در موضوع بحث جاری نیز انتظار می‌رود ذی‌نفع در رسیدگی به تخلفات انضباطی یعنی نیروی انتظامی، نتواند در رسیدگی‌های انضباطی تأثیرگذار باشد. یعنی به‌طریق اولی واگذاری فرایند رسیدگی به تخلفات انضباطی به کارکنانی که تعلقات سازمانی به ناجا دارند، به‌هیچ‌عنوان با اصل استقلال مرجع رسیدگی‌کننده سازگار نیست. بنابراین بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان مدعی بود که کمیسیون رسیدگی به تخلفات مذکور، از حیث استقلال و بی‌طرف بودن قابل نقد است. ترکیب اعضای کمیسیون تجدیدنظر نیز با همان نقدهای مذکور مواجه است.

دومین معیار حاکم بر قلمرو کیفری، برخورداری از الزامات معیار برائت است (مول و هاربی ۲۰۰۶: ۱۱۲). در پرتو این اصل، مراجع رسیدگی‌کننده مکلف‌اند به میزان ممکن از بازداشت متهم اجتناب نمایند و زمان و امکانات مناسب برای تدارک دفاع را در اختیار وی قرار دهند و متهم می‌تواند از معاضدت و کیل برخوردار شود. مطابق تبصره ۶ ماده ۱۲۱ قانون استخدام ناجا، کمیسیون رسیدگی مکلف است متهم را به جلسه رسیدگی دعوت کند و در صورت عدم حضور بدون عذر موجه بعد از دومرتبه ابلاغ کتبی، غیاباً رسیدگی می‌شود. مقررات این تبصره از این حیث که دعوت از متهم را برای رسمیت جلسات الزامی می‌داند، با تضمینات اصل برائت سازگار است و به متهم این امکان را می‌دهد که در جلسه حاضر شده و از خود دفاع کند<sup>۱</sup>. ولی از این حیث که آیا متهم حق برخورداری از وکیل و اطلاع از مفاد پرونده اتهامی دارد یا خیر، باید بررسی شود.

### مبحث دوم: تنبیهات انضباطی فاقد تشریفات خاص

همان‌گونه که در مبحث قبل بیان شد، تنبیهات خارج از شروط دوگانه مذکور در مبحث قبل، بدون تشریفات خاص اعمال و اجرا می‌شوند. در این مورد مقام تنبیه‌کننده خود تنبیه را معین کرده و دستور اجرای آن را صادر می‌کند. بدون اینکه مرجع ثالث نسبت به صحت اتهام وارده و عادلانه بودن تنبیه اعمال‌شده نظر دهد.

۱- در این تبصره بیان شده است «دعوت از شخص متخلف ... الزامی است». استفاده از اصطلاح متخلف در این مقرر نادرست است. چراکه فردی که در این کمیسیون شرکت می‌کند، فقط متهم است و هنوز اتهام وارده اثبات نشده که بتوان وی را متخلف نامید. از این رو، بهتر است از اصطلاح متهم به تخلف استفاده شود.

بر اساس ماده ۱۹ آئین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح «به محض اینکه دستور تنبیهی صادر شد، مقام اِعمال کننده تنبیه باید بدون تأخیر مراتب را به متخلف ابلاغ نماید». یعنی اجرای تنبیه باید در حداقل زمان ممکن انجام شود تا در نتیجه حتمیت، قطعیت و سرعت در اجرای تنبیه، بازدارندگی عمومی تنبیهات تضمین شود. بر اساس ماده ۱۳۲ آئین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح<sup>۱</sup> کارکنانی که از تنبیهات اجرا شده بر خود آن‌ها شاکی‌اند مجبورند شکایت خود را برای رسیدگی به خود مشتکی‌عنه ارائه نمایند و مشتکی‌عنه علی‌رغم اینکه خود طرف دعوی است، به شکایت رسیدگی می‌کند. پیش‌بینی چنین رویه‌ای به هیچ‌عنوان قابل توجیه نیست و انتظار می‌رود مقام رسیدگی کننده به شکایت، فردی غیر از مشتکی‌عنه باشد. مضافاً اینکه شکایت از تنبیه باید ۲۴ ساعت بعد از اجرای تنبیه باشد.<sup>۲</sup> ایرادی که بر این مقرره وارد است از این حیث مطرح می‌شود که چگونه و بر چه اساس می‌توان تنبیه شخصی که ممکن است بی‌گناه باشد، حتی برای ۲۴ ساعت را توجیه کرد. آیا نمی‌توان رویه‌ای در پیش گرفت که بعد از اثبات ارتکاب تخلف تنبیه انضباطی اعمال شود یا اینکه از همان ابتدای اجرای تنبیه، فرد تنبیه شده بتواند دلایل بی‌گناهی خود را ارائه کند. بر هیچ‌کس پوشیده نیست که ممکن است تنبیه اعمال شده غیر عادلانه باشد و فرد تنبیه شده اصلاً مرتکب تخلف نشده باشد؛ چرا که اگر غیر از این بود امکان شکایت و اعتراض به رسمیت شناخته نمی‌شد. آیا تنبیه غیر عادلانه، حتی برای ۲۴ ساعت، قابل پذیرش است؟ مسلماً پاسخ به هر یک از این پرسش‌ها منفی است. بند ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ که مجلس قانونگذار ایران در ۱۹۷۹ آن را به تصویب رسانده و بر اساس ماده ۹ قانون مدنی برای مراجع قضایی و اداری ایران لازم‌الاجرا است مقرر می‌دارد «هر کس که بر اثر دستگیری یا بازداشت شدن از آزادی محروم می‌شود حق دارد به دادگاه تظلم نماید به این منظور دادگاه بدون تأخیر راجع به قانونی بودن بازداشت رأی می‌دهد و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر می‌کند». بر اساس این حق مأمور پلیس بازداشت شده بر اساس تنبیهات انضباطی می‌تواند به دادگاه نظامی اعتراض کند و اعتراض خود را به همراه دفاعیات و مستنداتش به دادگاه مذکور ارسال کند. همچنین

۱- تنبیه‌شدگان می‌توانند نسبت به رفتار یا تنبیهاتی که به‌ناحق، غیرقانونی درباره آن‌ها مقرر شده اول به مقامی که تنبیه را تعیین کرده شکایت نمایند و در صورت عدم رسیدگی به یک رده بالاتر از مقامی که تنبیه را تعیین نموده شکایت نمایند. ولی این شکایت باید انفرادی باشد و رونوشت آن به مقام تنبیه‌کننده ارسال گردد. تبصره: شکایت راجع به تنبیهات مانع از اجرای تنبیه مقرر نخواهد شد.

۲- مشخص نیست که منظور تدوین‌کنندگان این آئین‌نامه از اجرای تنبیه اجرای کامل آن است یا شروع به اجرا کفایت می‌کند. با توجه به اینکه در صدر ماده از «تنبیه‌شدگان می‌توانند نسبت به رفتار یا تنبیهاتی که به‌ناحق، غیرقانونی درباره آن‌ها مقرر شده»، استفاده شده است و از اجرای تنبیه بحث نشده، به نظر می‌رسد که شروع به اجرا کافی است.

بعد از آزادی از بازداشت در صورتی که معتقد به بازداشت غیرمجاز باشد، می‌تواند شکایت خود را به همراه مستندات به دادسرای نظامی محل خدمت خود تقدیم کند و تعقیب جنایی مقام مافوق خود را بر اساس مقررات ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ درخواست کند.

ماده ۱۳۲ آئین‌نامه انضباطی در ادامه بیان داشته در صورت عدم رسیدگی به شکایت، از جانب رئیس یا فرمانده (مشتکی‌عنه)، شاکی می‌تواند به یک رده بالاتر از مقامی که تنبیه را تعیین کرده شکایت کند... و رونوشت آن را به مقام تنبیه کننده ارسال کند. ایراد بر این ماده همان ایراداتی است که در مبحث قبل بیان شد.

ایراد دیگری که بر روند رسیدگی به شکایات وارد است اینکه ضمانت اجرای این رسیدگی‌ها مشخص نشده است. اگر در نتیجه رسیدگی‌های به عمل آمده مشخص شود که تنبیه اعمال شده اشتباه بوده، آیا لازم نیست از فردی که به صورت غیرعادلانه تنبیه شده جبران خسارت مادی، روحی و معنوی به عمل آید؟ آیا فردی که با اشتباه یا تقصیر، یکی از کارکنان جمعی خود را به صورت غیرعادلانه تنبیه کرده، مستحق تنبیه یا مجازات نیست؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این سوالات مثبت باشد.

### بخش سوم: تشریفات حاکم بر تنبیهات انضباطی مشمول قلمرو کیفری و راهکارهای نیل به نظام مطلوب

نیروی انتظامی یکی از زیرمجموعه‌های نیروهای مسلح است. نظم در نیروهای مسلح دارای ارزش بنیادین است. از همین رو، هرگونه بی‌نظمی از جانب کارکنان نیروهای مسلح، ضمانت اجرای انضباطی دارد. تفاوت جامعه نظامی و جامعه مدنی نیز در همین است: انحراف در جامعه مدنی، پاسخ‌های غیررسمی جامعه مدنی را در پی دارد. ولی انحراف (بی‌نظمی) در جامعه نظامی، پاسخ رسمی و انضباطی را می‌طلبد. برای تضمین نظم در نیروهای مسلح، آئین‌نامه انضباطی تصویب شده است. در این آئین‌نامه شیوه‌های برقراری نظم در نیروهای مسلح تشریح شده است. فرماندهان، روسا و مدیران واحدهای نظامی، برای برقراری نظم در یگان تحت سرپرستی خود، از شیوه‌های مختلف برنامه‌ریزی، نظارت، تشویق، آموزش، تنبیه و... استفاده می‌کنند. تنبیه انضباطی کارکنان جمعی، آخرین راهکار برای برقراری نظم در یگان‌های نظامی است. در آئین‌نامه انضباطی نیز اعمال تنبیهات بعد از تشویقات بیان شده و این دلیلی بر این مدعا است که فرماندهان باید ابتدا از سایر روش‌های مدیریتی برای برقراری نظم استفاده کنند. ضرورت نظم در نیروهای مسلح، تدوین کنندگان آئین‌نامه انضباطی را بر آن داشته که سرعت

در اعمال تنبیه را به رسمیت بشناسند. سرعت در اعمال تنبیه موجب شده رعایت تشریفات رسیدگی عادلانه نادیده گرفته شود؛ چراکه رعایت این تشریفات، اعمال تنبیهات را در قالب فرایندی قرار می‌دهد که اجرای این فرایند، وقت و امکانات بیشتری می‌طلبد.

اعمال تنبیهات انضباطی در نیروهای مسلح با یک چالش دوسویه مواجه است. از سویی، برقراری نظم و انضباط مستلزم برخورد سریع با تخلف و بی‌نظمی است. از سوی دیگر، برخورد سریع با کارکنان متهم به تخلف می‌تواند در برخی موارد ناعادلانه باشد. به گونه‌ای که یک فرد بی‌گناه که مرتکب تخلف نشده، تنبیه شود یا اینکه، مسئول تنبیه‌کننده، به صورت احساساتی و تحت تأثیر جو موقتی، دستور تنبیهی را صادر کند که در شرایط عادی ممکن بود این تنبیه اعمال نشود. حال سؤالی که مطرح می‌شود اینکه، چگونه می‌توان روندی در پیش گرفت که در پرتو اجرای آن، هم نظم در نیروهای مسلح حفظ شود و هم اینکه تشریفات رسیدگی عادلانه رعایت شود؟

همان‌گونه که در بخش اول مقاله بیان شد، تنبیهات ردیف‌های ۶ الی ۱۵، یعنی خدمت شبانه‌روزی در قسمت حداکثر به مدت سی روز؛ بازداشت غیرقابل تمدید در بازداشتگاه حداکثر به مدت سی روز؛ کسر حقوق حداکثر به میزان یک‌پنجم، حداکثر به مدت چهار ماه؛ انتظار خدمت حداکثر به مدت شش ماه؛ بدون کاری حداکثر تا سه ماه؛ محرومیت از ترفیع حداکثر به مدت چهار سال؛ تنزیل موقت یک درجه یا رتبه حداکثر به مدت دو سال؛ تنزیل دائم یک درجه یا رتبه؛ معافیت از خدمت و اخراج از خدمت، به‌عنوان تنبیهات انضباطی مشمول قلمرو کیفری شناخته شدند. مباحث اول و دوم بخش دوم نیز تشریفات حاکم بر اعمال و اجرای تنبیهات انضباطی را ذیل دو عنوان تنبیهات دارای تشریفات خاص و فاقد تشریفات خاص، مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این دو مبحث حاکی از آن بود که از تنبیهات ۱۵ گانه مشروحه در ماده ۱۲۰ قانون استخدام ناجا، فقط ۴ تنبیه، یعنی محرومیت از ترفیع، تنزیل درجه یا رتبه، معافیت از خدمت و یا اخراج از خدمت، با رعایت تشریفات خاص مورد رسیدگی قرار می‌گیرند و بقیه موارد بدون رسیدگی از سوی مرجع ثالث، اعمال می‌شوند. در این بخش بر آنیم تشریفات حاکم بر اعمال و اجرای تنبیهات مشمول قلمرو کیفری را مورد مطالعه قرار دهیم. با تلفیق مطالب بیان‌شده، ملاحظه می‌شود که ۱۰ عنوان تنبیه انضباطی مشمول قلمرو کیفری‌اند. یعنی اعمال و اجرای این تنبیهات باید با رعایت تضمینات دادرسی عادلانه صورت گیرد. ولی فقط ۴ عنوان از آن‌ها با رعایت تشریفات خاص مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، این تشریفات نیز همان‌گونه که بیان شد، با تضمینات دادرسی عادلانه سازگار نیست؛ چراکه طبق مقررات جاری

اصل بی طرفی مقام رسیدگی کننده و حقوق دفاعی متهم نقض شده است. ازاین رو ضرورت دارد ۱۰ عنوان تخلف انضباطی مشمول قلمرو کیفری با رعایت تشریفات رسیدگی عادلانه مورد رسیدگی قرار گیرند. در ادامه، راهکارهای قابل اجرا برای تضمین تشریفات دادرسی عادلانه در رسیدگی به تنبیهات انضباطی مشمول قلمرو کیفری (ده عنوان تنبیه انضباطی)، مطالعه می شود.

### مبحث اول: اصلاح مقررات قانونی

بر اساس اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر می دارد «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». رسیدگی های انضباطی نیروهای مسلح دارای مبنای قانونی است، ولی مرجعی که به این تخلفات رسیدگی می کند، دادگاه نیست. بنابراین رسیدگی اداری یا شبه قضایی به تخلفات دارای ضمانت اجرای کیفری در کمیسیون های انضباطی با اصل ۳۶ قانون اساسی مغایرت دارد ولی با مقررات اصل ۲۲ منطبق است.

موضوعی که از منظر این تحقیق اهمیت دارد اینکه رسیدگی به تخلفاتی که ضمانت اجرای کیفری دارند و در قلمرو کیفری قرار می گیرند، باید با رعایت تشریفات دادرسی عادلانه انجام شود. ازاین رو، یکی از گام های اساسی در راستای رعایت تشریفات دادرسی عادلانه در تخلفات انضباطی مشمول قلمرو کیفری، اصلاح مقررات قانونی است. پیشنهاد می شود در اصلاح مقررات قانونی موارد ذیل رعایت شود:

۱- بنای فرایند رسیدگی کمیسیون های رسیدگی بر مبنای معیارهای حاکم بر دادگاه ها در رسیدگی دادگاه ها سه عنصر اساسی وجود دارد: متهم، مدعی و مقام قضاوت کننده. در این مدل سه گزینه ای- و در وضع مطلوب آن، مقام قضاوت کننده باید در موضع بی طرف و با توجه با دلایل ارائه شده از سوی طرفین دعوا، به صدور حکم اقدام کند- بی طرفی مقام صدور حکم، از الزامات رسیدگی عادلانه است. از منظر ماریو پاگانو حقوق دان ایتالیایی «اگر به کشور ناشناخته ای وارد شدید و خواستید بدانید آزادی های مدنی حمایت می شود یا خیر، آیین دادرسی کیفری آن را مطالعه کنید» (پرادل ۱۳۷۶: ۱۶۴). دیدگاه وی در مورد رسیدگی های شبه قضایی مشمول قلمرو کیفری نیز صادق است و در این رسیدگی ها رعایت معیارهای



رسیدگی عادلانه که از جمله آنها رسیدگی توسط مرجعی بی‌طرف است ضروری است. در رسیدگی‌های کمیسیون‌های رسیدگی به تخلفات انضباطی نیروهای مسلح نیز انتظار می‌رود چنین مدلی اجرا شود. در وضع کنونی، ساختار کمیسیون‌ها مطلوب و عادلانه نیست؛ چراکه از سویی، اعضای کمیسیون‌ها از بی‌طرفی لازم برخوردار نیستند و از سوی دیگر، متهم در این رسیدگی‌ها حضور فعال و پررنگ ندارد و مقام معادل مدعی نیز مشخص نیست (هرچند که در ساختار موجود همه اعضای کمیسیون در واقع مدعی دعوای مطروحه‌اند).

۲- امکان حضور وکیل یا نماینده حقوقی متهم در کمیسیون‌های رسیدگی به تخلفات یکی از جلوه‌های دادرسی عادلانه، حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در فرایند رسیدگی کیفری است (بابائی و افراسیابی ۱۳۸۹: ۴۰). برخورداری از وکیل از دو جهت اهمیت دارد. از سویی، حضور وکیل موجب می‌شود حقوق متهم تضمین شود؛ چراکه متهم از دانش حقوقی برخوردار نیست و این امر امکان دفاع مؤثر متهم را تعدیل می‌کند. از سوی دیگر، حضور وکیل می‌تواند بسیاری از اشتباهات قضایی را تعدیل کند. با توجه به اینکه عموم پرونده‌های مطروحه در کمیسیون‌های انضباطی دارای ملاحظات محرمانگی‌اند، این احتمال وجود دارد که حضور وکلای دادگستری غیرسازمانی از منظر امنیتی با اشکال مواجه شود. از همین رو، پیشنهاد می‌شود وظیفه دفاع از حقوق متهمانی که در این کمیسیون‌ها حاضر می‌شوند بر عهده نمایندگان حقوقی سازمانی نهاده شود تا از گذر حضور معاضدتی این نمایندگان بتوان خلاً موجود را پر کرد.

### مبحث دوم. اصلاح رویه‌های اجرایی

اگرچه در حکومت‌های قانون‌مدار، رویه‌های اجرایی مبنای قانونی دارند، ولی رویکرد مجریان مقررات قانونی در نحوه اجرای قانون تأثیر فزاینده‌ای دارد. رسیدگی‌های کمیسیون‌های انضباطی نیز بر مبنای مقررات قانونی انجام می‌شود، ولی رویکرد اعضای این کمیسیون‌ها، تأثیر به‌سزایی در نحوه رسیدگی‌ها و نتایج آن‌ها دارد. در علوم جنایی، خط و مشی‌های قانون‌گذار در نحوه کنترل جرم تحت عنوان سیاست جنایی قانونی مورد بحث قرار می‌گیرد و خط و مشی‌های مجریان قانون، به سیاست جنایی اجرایی عنوان می‌شود.<sup>۱</sup> در این مبحث تلاش می‌شود راهکارهایی ارائه شود که از گذر آن‌ها بتوان سیاست جنایی اجرایی را به سمت رعایت حقوق

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به لازرژ ۱۳۸۲ و نیز مارتی ۱۳۸۱.

دفاعی متهم سمت و سو داد.

امکان حضور متهمان در کمیسیون‌های رسیدگی کننده و کیفیت و کمیّت حضور آن‌ها، یکی از مهم‌ترین ابزارهای دفاعی متهمان تخلفات انضباطی است. حقوق دفاعی متهمان ایجاب می‌کند که بتوانند به صورت مؤثر در جلسه رسیدگی حاضر شده و در برابر ادعاهای مطروحه از خود دفاع کنند. مدت زمانی که به بیانات دفاعی متهمان اختصاص می‌یابد تا حد امکان باید مناسب باشد تا بتوانند به صورت آزادانه از خود دفاع کنند. محدود کردن تعداد پرونده‌های هریک از جلسات کمیسیون‌ها، راهکار مناسبی برای افزایش مدت حضور متهمان در جلسات رسیدگی است.

دومین سیاستی که می‌تواند در جلسات کمیسیون‌ها مورد توجه قرار گیرد، به رویکرد شمولی<sup>۱</sup>، حفظ و بازپذیری پرسنل مربوط می‌شود. اعضای کمیسیون‌های رسیدگی کننده دو رویکرد را می‌توانند در پیش گیرند: نخست، رویکرد حذف، اخراج و طرد متخلفان انضباطی و دوم، رویکرد بازپذیری و حفظ آن‌ها. بررسی شخصیت و سوابق خدمت متهمان، ابزار مناسبی برای تصمیم‌گیری درست و عادلانه اعضای کمیسیون‌ها است. همچنین آشناسازی اعضای کمیسیون‌ها با رویکرد بازپذیری، مبنای و نتایج آن می‌تواند ترویج و انسجام این رویکرد در این رسیدگی‌ها را تقویت کند<sup>۲</sup>.

رویکرد دیگری که در پاسخ به تخلفات انضباطی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، استفاده از راهکارهای پیشگیرانه است. در رویکرد پیشگیرانه بجای پاسخ واکنشی به تخلفات انضباطی تلاش می‌شود از پاسخ‌های گُنشی استفاده شود. تمرکز بر آسیب‌های سازمانی، ارتقای بار معنوی سازمان و انتصاب فرماندهان شایسته و دارای صلاحیت‌های معنوی و اخلاقی لازم، استفاده از روش‌های تشویقی و رفع آلودگی‌های سازمانی بسترساز تخلفات انضباطی، از جمله راهکارهای گُنشی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرند.

### نتیجه‌گیری

در این تحقیق از معیارهای مستخرج از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آرای رویه ساز دیوان اروپایی حقوق بشر برای شناخت قلمرو کیفری استفاده شد و بر اساس این معیارها، تنبیهات انضباطی نیروهای مسلح که در قلمرو کیفری قرار می‌گیرند، شناسایی شد. از میان

1. inclusive

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به افراسیابی ۱۳۸۹.

تنبیهات انضباطی مطالعه شده، ده عنوان از آن‌ها در قلمرو کیفری قرار می‌گیرند. از این رو رسیدگی به این تخلفات مستلزم رعایت معیارهای دادرسی عادلانه است. این تنبیهات ماهیتاً با مجازات‌ها تفاوتی ندارند. از همین رو عدالت ایجاب می‌کند که رسیدگی به آن‌ها با رعایت تضمینات دادرسی عادلانه انجام گیرد تا از این گذر، افراد متهم به تخلف بتوانند بی‌گناهی خود را اثبات نمایند.

اگرچه به لحاظ حقوقی، مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و آرای دیوان اروپایی حقوق بشر برای مراجع قضایی و شبه قضایی جمهوری اسلامی ایران الزام‌آور نیست، ولی باید توجه داشت که نهاد قلمرو کیفری برای تضمین کرامت و حقوق انسان‌ها به رسمیت شناخته شده است. از این رو، از منظر حقوق بشری و اخلاقی، نوعی الزام معنوی وجود دارد که مراجع شبه قضایی را به رعایت تشریفات دادرسی عادلانه در قلمروهای کیفری الزام می‌کند. «هرچند متولیان سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران حتی در رسیدگی‌های کیفری نیز اقبال چندانی به رعایت تضمینات دادرسی عادلانه ندارند و نمونه‌های آن‌ها در رسیدگی به جرایم مواد مخدر قابل ملاحظه است که آرای صادره در آن‌ها قطعی است و در مجازات‌های شدیدی چون اعدام و حبس ابد، دادستان کل کشور که در این دعاوی خود مدعی و به تعبیری شاکی است، اقدام به رسیدگی در مقام تجدیدنظر می‌نماید!» (موذن زادگان، ۱۳۹۲).

در جمهوری اسلامی ایران این امکان وجود دارد که در آینده نزدیک، در راستای کاهش ورودی پرونده‌ها به دادگاه‌ها، برخی از جرایمی که قبلاً در دادرسی و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شدند، به کمیسیون‌های شبه قضایی واگذار شوند. از این رو، به نظر می‌رسد که اصلاح مقررات و رویه‌های اجرایی جاری می‌تواند بستر مناسبی برای امکان رسیدگی به تخلفات مشمول قلمرو کیفری در این کمیسیون‌ها فراهم نماید.

## منابع

## الف) فارسی

- افراسیابی، علی (۱۳۸۹)، «امکان بازپذیری اجتماعی بزهکاران در بسترهای کیفری و پسا کیفری موجود»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۵.
- بابایی، محمدعلی و علی افراسیابی (۱۳۸۹)، «حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی»، فصلنامه آموزه‌های حقوقی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۳.
- بابایی، محمدعلی و داوود مهدوی (۱۳۹۱)، «قلمرو کیفری و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری»، شماره ۳، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- بابایی، احسان (۱۳۹۲)، رسیدگی غیر کیفری در پرتو اصول دادرسی منصفانه مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، رساله دکتری باراهنمایی علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه امام صادق (ع).
- پرادل، ژان (۱۳۷۶)، «به دنبال اصول راهبردی مشترک آیین‌های دادرسی کیفری مختلف اروپایی»، ترجمه منوچهر خزانی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، شماره ۲۱.
- پرادل، ژان و گرت کورستنز (۱۳۸۶)، حقوق کیفری اروپایی، ترجمه محمد آشوری، جلد اول، انتشارات سمت.
- راسخ، محمد (۱۳۸۷)، «حق و مصلحت مقالاتی در فلسفه حقوق»، فلسفه حق و فلسفه ارزش، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ سوم.
- حبیب زاده، محمدجعفر و محمد توحیدی فرد (۱۳۸۶)، قانون مداری در قلمرو حقوق کیفری، انتشارات دادگستر، چاپ دوم.
- طه، فریده و لیلا اشرفی (۱۳۸۶)، دادرسی عادلانه، نشر میزان، چاپ اول، تهران.
- قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، درآمدی به سیاست جنائی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات میزان.
- لاگلین، مارتین (۱۳۹۱)، مبانی حقوق عمومی، ترجمه محمد راسخ، انتشارات نشر نی، چاپ دوم، تهران.
- مارتی، می ری دلماس (۱۳۸۱)، نظام‌های بزرگ سیاست جنائی، ترجمه علی حسین نجفی



ابرنندآبادی، جلد نخست، نشر میزان.

- مهدوی، داور (۱۳۹۰)، قلمرو کیفری در نظام حقوقی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره.
- موذن زادگان، حسن علی (۱۳۹۲)، اظهارات استاد در جلسه دفاع پایان‌نامه دکتری با عنوان رسیدگی غیر کیفری در پرتو اصول دادرسی منصفانه مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر توسط احسان بابایی، دانشگاه امام صادق (ع).
- نقیعی منفرد، حسام (۱۳۸۹)، حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- یآوری، اسدالله (۱۳۸۳)، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه آئین دادرسی نوین»، مجله حقوق اساسی، سال دوم، شماره دوم.

#### ب) انگلیسی

- Engel and others v. the Netherland, 8 June 1979, Para 81.
- Lawyers Committee for Human Rights; What Is a Fair Trial (A Basic Guide to Legal Standards and Practice); New York; United States of America, March 2000.
- Mahoney Paul; Right to a Fair Trial in Criminal Matters under Article 6 E.C.H.R. Registrar of the European Court of Human Rights; 2004.
- Mole, Nuala and Catharina Harby; The right to a fair trial- A guide to the implementation of the European Convention on Human Rights; Human rights handbooks, No. 3; second edition, August 2006; Printed in Belgium.
- Zhang, Jixi. Xiaohua Liang; the Scope of Application of Fair Trial Rights in Criminal Matters- Companing I.C.C.P.R. with Chinese Law; published online: March 14/2010.

Archive of SID